

پیش بینی میزان قلدری بر اساس شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی در دانش آموزان ابتدایی منطقه یک شهر تهران

سیده فاطمه حسینی^۱

چکیده

هدف از این مطالعه بررسی رابطه بین میزان قلدری، شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی در دانش آموزان ابتدایی منطقه یک شهر تهران بوده است و همچنین به پیش بینی میزان قلدری بر اساس شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی در دانش آموزان پرداخته شده است.

روش طرح تحقیق حاضر توصیفی است و از نوع همبستگی است. جامعه پژوهش را تمامی دانش آموزان دوره ابتدایی منطقه یک شهر تهران تشکیل داده است. تعداد ۱۶۰ از دانش آموزان دوره ابتدایی منطقه یک شهر تهران نمونه پژوهش را تشکیل داد. این تعداد بر اساس جدول مورگان تعیین شد. روش نمونه گیری در این پژوهش خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی مانند میانگین و انحراف استاندارد و از آمار استنباطی مانند همبستگی و رگرسیون استفاده شد. داده‌ها از طریق نرم افزار ۱۶-SPSS تحلیل شد.

یافته‌ها نشان داد که تنها بین دو مؤلفه ارتباط و بیگانگی با قلدری همبستگی مثبت وجود دارد و این که ۱۱/۴ درصد از واریانس متغیر قلدری توسط ۲ مؤلفه اعتماد و ارتباط و ۴ مؤلفه بیگانگی، شیوه سهل گیرانه، شیوه استبدادی و شیوه قاطع تبیین می‌شود. به عبارت دیگر؛ ۱۱/۴ درصد از پراکندگی مشاهده شده در متغیر قلدری توسط این متغیرها توجیه می‌شود. نتیجه گیری: عوامل مختلف و متعددی بر میزان قلدری کودکان دبستانی وجود دخیل است که بسیاری از آنها ریشه در تربیت و محیط خانواده دارند.

واژگان کلیدی: قلدری، شیوه‌های فرزندپروری، سبک‌های دلبستگی، دانش آموزان.

۱. مقدمه

قلدری^۱ نوعی رفتار پرخاشگرانه است که به قصد آزار و آسیب دیگران و از طریق تهدید یا زورگویی صورت می‌گیرد. این پدیده در میان کودکان بسیار شایع است و می‌تواند بسیار مخرب هم باشد. قلدری شکل‌های مختلفی دارد مانند لقب یا اسم گذاشتن روی دیگران، مسخره کردن آن‌ها یا با بی انصافی پشت سرشان داستان یا شایعه‌های زشت پخش کردن. قلدری می‌تواند جسمی هم باشد، مثلاً هل دادن، لگد یا کتک زدن، پیغام‌های زشت یا توهین آمیز فرستادن، عکس گرفتن با گوشی و مسخره کردن مردم هم نمونه‌هایی از قلدری هستند (برک^۲، ۲۰۰۷، ترجمه: محمدی، ۱۳۹۱).

پسرها و دخترها ممکن است به شیوه‌های متفاوتی زورگویی کنند. شایع‌ترین انواع قلدری مسخره کردن و لقب دادن است، اما بسیاری از پسرها از قدرت بدنی خود هم برای آزار دیگران استفاده می‌کنند. دخترها بیشتر هم‌دیگر را از گروه کنار می‌گذارند و پشت سر هم شایعه و داستان‌های آزار دهنده پخش می‌کنند. این روش هم به همان اندازه‌ی روش‌های پیشین می‌تواند ناراحت کننده و آزار دهنده باشد (برک، ۲۰۰۷، ترجمه: محمدی، ۱۳۹۱).

بر اساس نظریه بامریند (۱۹۹۱)، سبک‌های فرزند پروری به عنوان واسطه‌ی بین متغیرهای هنجاری آنان و جامعه پذیری فرزندان عمل می‌کند و با شایستگی‌های اجتماعی رابطه دارد. همچنین (کوریدو، وارنرو ایبرگ^۳، ۲۰۰۲) نشان دادند که سبک‌های فرزند پروری مقتدر با سازماندهی، پیشرفت تحصیلی و جهت‌گیری عقلانی در کودکان رابطه مثبت وجود دارد. همچنین تحقیقات نشان داده است که نوجوانانی که والدین خودکامه دارند کمتر متکی به خود هستند و نمی‌توانند به تنهایی کاری انجام دهند یا از خود عقیده‌ای داشته باشند شاید به این دلیل که به قدر کافی فرصت نداشته‌اند که عقاید خود را بیازمایند یا مستقلانه مسئولیت قبول کنند (آلدر، ۱۹۸۰ و لوئیس^۴، ۱۹۸۲). در ضمن این نوجوانان اعتماد به نفس کمتر و استقلال و خلاقیت کمتری دارند، ذهن کنجکاوی ندارند، از لحاظ رشد اخلاقی کمتر رشد یافته‌اند و در برخورد با مشکلات روزمره عملی، تحصیلی و ذهنی انعطاف پذیری کمتری دارند (گونگرو و پیترسون، ۱۹۸۴ و الدر^۵، ۱۹۸۰).

از طرفی دخالت خانواده در تعلیم تربیت می‌تواند پیشرفت آموزشی را پیش بینی کند. تحقیقاتی که در زمینه تعلیم و تربیت و در رابطه با تحول صورت پذیرفته است، نشان داده‌اند که نگرش، شیوه‌های تعاملی و رفتار والدین ارتباط آن‌ها با مدرسه با تحول اجتماعی کودک و عملکرد تحصیلی فرزندان رابطه وجود دارد (کریستسون و شریدان^۶، ۲۰۰۶، نقل از معتمدی، ۱۳۸۷).

شیوه‌های فرزند پروری منظومه‌ای از گرایش‌های اعمال و جلوه‌های غیر کلامی است که ماهیت تعامل کودک و والدین را در تمامی موقعیت‌های گوناگون مشخص می‌کند. (دارلینگ و استنبرگ^۷، ۱۹۹۲، نقل از مهرافروز، ۱۳۷۸). بامریند (۱۹۹۲) گاتمن و دیکلایر^۸ (۱۹۹۷) معتقدند که فرزند پروری مطلوب حیاتی است. برخی معتقدند که تنها چیزی که برای اکثر فرزندان لازم است یک محیط متوسط قابل پیش بینی است. عده‌ای هم عقیده دارند که والدین برای رشد فرزندان هیچگونه اهمیت اساسی ندارند. (ماریس^۹، ۱۹۹۸).

1. bullying behaviors
2. Berk
3. Querido, warner, eyberg
4. Alder, loeis
5. Gongro, piterson, j and alder
6. Kerstnon and sheridan
7. Darling, steinberg
8. Gatman, diklayer
9. mareis

استدلال این گروه این است که در زندگی کودک فقط عوامل ژنتیکی و همسالان اهمیت دارند اما باید گفت که هرچند عوامل ژنتیکی و همسالان در رشد تأثیر می‌گذارند، اما والدین تأثیری فراتر از آنچه که نگرش فوق معتقد است دارند. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که نقش فعالانه والدین در برنامه ریزی، آغاز، تداوم و نظارت بر همسالان با پیامدهای رشدی اجتماعی در شرایط فرهنگی مختلف ارتباط دارد. (مارث و دیگران، ۱۹۹۸، نقل از برهمند، ۱۳۸۱). شیوه‌های فرزند پروری والدین اهداف بسیاری را در بر می‌گیرد که در مراحل مختلف زندگی بچه‌ها تغییر می‌کند.

سبک‌های دلبستگی از منابع درون‌فردی هستند که می‌توانند سطوح تنش و ناتوانی را در شرایط ناگوار تعدیل کنند و اثرات منفی تنش را کم‌رنگ‌تر جلوه دهند. بنا بر نتایج پژوهش‌ها، سبک‌های دلبستگی، اهمیت پیش‌بینی‌کننده‌ی زیادی در بهداشت روانی دارد. با توجه به اهمیت بهداشت روان در زندگی افراد که از مواد مخدرکننده‌ی آن تنش، اضطراب و افسردگی است و وجود نظریه‌ی مهم دلبستگی بالبی و دسترسی محدود پژوهشگر به مقالاتی که فرضیات مشتق از این نظریه را آزمون کند، پژوهشی با هدف تعیین ارتباط سبک‌های دلبستگی بالغین به والدین با تنش، اضطراب و افسردگی انجام شد (اوحدی، ۱۳۸۲).

رابطه کیفیت دلبستگی با آسیب‌های روانشناختی از جمله حوزه‌هایی است که مجموعه وسیعی از پژوهش‌های روانشناختی را به خود اختصاص داده است. نتیجه عمده تعامل بین مادر و کودک به وجود آمدن نوعی "دلبستگی" عاطفی بین فرزند و مادر است. این دلبستگی بیانگر ارتباط عاطفی کودک-مادر است که موجب می‌شود کودک دنبال آسایش حاصل از وجود مادر باشد، به ویژه هنگامی که احساس ترس و عدم اطمینان می‌کند

نتایج تحقیقات دائن (۱۹۹۸)، شافر (۱۹۸۷) و دوناله (۲۱۹۹۴) نیز این یافته‌ها را تأیید کردند و نشان دادند که شیوه مقتدرانه اثر بخش‌ترین روش است. والدین مقتدر یک حس علاقه پایداری به فرزند منتقل می‌کند که فرزند را بر می‌انگیزاند که مطابق واقعیت‌های روانی والدین خود رفتار کنند. که والدین غافل و کناره‌گیر این طور نیستند این والدین خواسته‌ها و انتظاراتشان را دقیقاً با توانایی فرزندشان هماهنگ می‌کنند و به فرزند خود مقداری آزادی می‌دهند که برای چگونگی بر آوردن انتظارات تصمیم‌گیری کنند (شافر ۳، ۱۹۹۷، نقل از کرد نوقانی، ۱۳۷۸).

تحقیقاتی که در زمینه اختلال‌های رفتاری صورت گرفته است، اغلب این نتیجه را در برداشته که اختلال‌های رفتاری بیشتر حاصل نحوه ارتباط والدین با کودک است تا عوامل ارثی و زیستی و محققان نتیجه گرفته‌اند که بین سوءرفتار والدین و اختلال رفتاری کودک ارتباط وجود دارد و این ارتباط بسیار با اهمیت و نشان‌دهنده این مطلب است که عامل خانواده و خصوصاً رفتار والدین در دوران کودکی نقش مهمی در بروز اختلال‌های رفتاری در کودکی و بزرگسالی دارد (ظروفی، ۱۳۸۰). پرخاشگری از جمله مشکلات رفتاری است که حاصل خانواده‌های مشکل‌دار و ساختار ناسالم و ارتباط نامطلوب والدین با فرزندان است و در این خانواده‌ها معمولاً یک محرک استرس‌زا، مانند اعتیاد پدر، خشونت‌های فیزیکی و کلامی پدر و مادر و رابطه ناسالم اولیا با فرزندان، شیوه‌های رابطه با فرزندان و امثال آن وجود دارد (مایکل و همکاران، ۱۹۸۷ تحقیقات مؤسسه ملی). سلامت روانی در ایالات متحده نشان می‌دهد کودکانی که از جانب والدینشان مورد سوء آزار جسمی و غفلت قرار گرفته بودند، احتمال انجام رفتارهای خشن و خشونت‌آمیز در آنها خیلی زیاد بوده است (فراهانی، ۱۳۸۰).

نتایج تحقیقات زیادی بیانگر این است که از لحاظ آماری بین سبک‌های فرزند پروری و مشکلات رفتاری نوجوانان ارتباط

معنی داری وجود دارد (ارگیز و همکاران، ۲۰۰۶). انگریست و همکاران (۱۹۹۶) نیز بیان نمودند که سبک‌های فرزند پروری در کاهش رفتارهای پرخطر نوجوانان مؤثر است و نتایج تحقیقات (ویلدر و والت، ۲۰۰۲؛ اسمال و لاستر ۱۹۹۴) بیانگر این است که والدینی که وقت بیشتری را صرف سرپرستی فرزندانشان می‌کنند، دارای فرزندانی هستند که کمتر به سمت رفتارهای پرخطر و نامناسب متمایل می‌شوند. به نظر می‌رسد که شیوه‌های فرزند پروری دموکراتیک و قاطعانه والدین اگر با توضیحاتی در مورد شرایط و انتظاراتشان همراه باشد از بسیاری جهات استقلال همراه با احساس مسئولیت را در نوجوانان پرورش می‌دهد (پارسایی، ۱۳۸۲).

شیوه فرزندپروری اقتداری برای تمام جوامع و خانواده‌ها البته با در نظر گرفتن ویژگی‌ها و چارچوب‌های آن مفید و قابل استفاده است (شافر، ۱۹۹۹). در بین تمام گروه‌های قومی و نژادی مورد مطالعه در ایالات متحده بین شیوه‌های فرزندپروری قاطع و اطمینان بخش (مقتدرانه) و پیامدهای رشدی مثبت بچه‌ها رابطه وجود داشته است (نقل از سازمان پور، ۱۳۸۰).

در این پژوهش با توجه به نتایج تحقیقات دال بر اهمیت، ارتباط مؤلفه‌های شیوه‌های فرزند پروری و سبک‌های دلبستگی و قلدری پژوهشگر در پی پاسخ دادن به این مساله است که آیا بین شیوه‌های فرزند پروری و سبک‌های دلبستگی با قلدری دانش آموزان مقطع ابتدایی منطقه ۱ شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد یا نه؟

۲. روش پژوهش

طرح تحقیق حاضر توصیفی است و از نوع همبستگی است. جامعه پژوهش را تمامی دانش آموزان دوره ابتدایی منطقه یک شهر تهران تشکیل دادند. این تعداد بنا بر آمار اداره آموزش و پرورش منطقه ۱ تهران ۲۸۰۰۰ نفر می‌باشد. تعداد ۱۶۰ از دانش آموزان دوره ابتدایی منطقه یک شهر تهران در نمونه پژوهش قرار گرفتند. این تعداد بر اساس جدول مورگان تعیین شد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود. به این صورت که از بین مدارس منطقه ۱ شهر تهران چهار مدرسه (۲ مدرسه دخترانه و ۲ مدرسه پسرانه) انتخاب سپس از بین کلاس‌های این مدارس دو کلاس و از هر کلاس ۲۰ نفر انتخاب شد.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این مطالعه عبارتند از:

الف: پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری: پرسشنامه ۳۰ سوالی شیوه‌های فرزند پروری که فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است که توسط دیانا بامریند (۱۹۷۳) طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه توسط حسین پور (۱۳۸۱)، ترجمه شده است و پس از تحلیل عاملی مشخص شد که پرسشهای شماره ۱۴، ۲۸ و ۲۶ روی هیچ عاملی بار نمی‌شوند در نتیجه پرسش‌های مذکور حذف شدند این پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری والدین را در سه عامل اندازه‌گیری می‌کند. در مقابل هر عبارت ۵ ستون (کاملاً موافقم، تاحدودی موافقم، تاحدودی مخالفم، مخالفم، کاملاً مخالفم) به ترتیب از ۴ تا ۰ نمره گذاری شده است که با جمع نمره‌های سؤال‌های مربوط به هر شیوه و تقسیم آن بر تعداد سؤالات نمره مجزا بدست می‌آید. روایی و پایایی این پرسشنامه تأیید شده است بورای (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش ((افتراقی)) استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه استیدادی رابطه منفی با سهل‌گیری ($r=0/38$) و اقتدار منطقی ($r=0/48$) دارد. و شیوه سهل‌گیری رابطه معنی داری با شیوه اقتدار منطقی او نداشت ($r=0/7$) (مهرفروز، ۱۳۷۸).

ب: پرسشنامه دلبستگی به والدین و همسالان گرینبرگ IPPA: متشکل از سه ابزار ۲۵ گزینه‌ای است که دلبستگی فرد را به والدین و همسالان می‌سنجد. این پرسشنامه از شما در مورد ارتباطات با افراد مهم در زندگی‌تان یعنی مادر، پدر و دوستان نزدیکتان سؤال می‌پرسد. این ابزار مقیاس‌های جداگانه‌ای برای سنجش دلبستگی به مادر، پدر و دوستان نزدیک

دارد. این ابزار، سه خرده‌مقیاس دارد، هر چند که استفاده از نمره‌ی کل بر نمره‌ی خرده‌مقیاس‌ها ارجح بوده و توصیه می‌گردد. سه خرده‌مقیاس هر ابزار عبارتند از: اعتماد، ارتباط و بیگانگی (A). در نمونه اصلی، همسانی درونی با ضریب آلفای به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۹۱ و ۰/۸۶ داشتند. این مقیاس دارای روایی همزمان عالی است. نمرات با مقیاس‌های متعدد بهزیستی روانشناختی شامل خود پنداره، عزت نفس، مثبت نگری، رضایت از زندگی، حل مسئله و منبع کنترل همبستگی دارد. علاوه بر اعتبار و پایایی بالای این آزمون، فایل پیش رو دارای شیوه‌ی اجرا، نحوه‌ی نمره گذاری و تفسیر نمرات نیز می‌باشد.

ج: پرسشنامه قلدری: این پرسشنامه توسط اسپلاگه و هولت (۲۰۰۱) ساخته شده است که از ۱۸ گویه و ۳ خرده‌مقیاس قلدری (۹ سؤال)، زد و خورد (۵ سؤال) و قربانی (۴ سؤال) تشکیل شده است که به منظور سنجش رفتارهای قلدرمابانه و قربانی بودن در فرد بکار می‌رود. نمره گذاری پرسشنامه بصورت طیف لیکرت ۵ نقطه‌ای می‌باشد که برای گزینه‌های «هرگز»، «یک یا دوبار»، «سه یا چهار بار»، «پنج یا شش بار» و «هفت بار یا بیشتر» به ترتیب امتیازات ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ در نظر گرفته می‌شود.

قلدری: این گونه رفتارها که تعداد ۹ گویه از مقیاس را تشکیل می‌دهند به اذیت و آزار دیگران، اسم گذاشتن روی دیگران، انزوای اجتماعی و شایعه پراکنی اشاره دارد (چالمه، ۱۳۹۲). قربانی بودن: این بعد دارای ۴ گویه است و رفتارهای انفعالی دانش‌آموزان در برابر قلدرها را مورد سنجش قرار می‌دهد (چالمه، ۱۳۹۲). زد و خورد: این بعد به وسیله ۵ گویه از گویه‌های مقیاس مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌گیرد. در این بعد از دانش‌آموزان خواسته می‌شود تا مشخص کنند که طی سی روز گذشته در کدامیک از رفتارهای متخاصمانه درگیر شده‌اند (چالمه، ۱۳۹۲).

اسپلاگه و هولت (۲۰۰۱) روایی و پایایی مطلوبی را برای این مقیاس ارائه داده‌اند. اسپلاگه و هولت (۲۰۰۱) برای بررسی روایی مقیاس از تحلیل عاملی و روایی همگرا و واگرا استفاده کردند. همچنین بمنظور بررسی پایایی مقیاس مذکور محققان از روی آلفای کرونباخ استفاده کردند که این ضریب برای هر یک از زیرمقیاس‌های قلدری، زد و خورد و قربانی به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۷۹ و ۰/۷۰ بود. همچنین محققان بمنظور بررسی روایی همگرا از مقیاس پرخاشگری آخن باخ استفاده کردند که ضریب بدست آمده در حد متوسط و مطلوبی بود ($r = ۰/۶۵$).

۳. یافته‌ها

براساس اطلاعات جدول (شماره ۱) در خصوص توزیع نمره‌های شرکت کنندگان در متغیرهای دلبستگی (و ۳ مؤلفه اعتماد، ارتباط و بیگانگی)، سبک‌های فرزندپروری (با ۳ مؤلفه شیوه سهل گیرانه، شیوه استبدادی و شیوه قاطع یا اطمینان بخش) و قلدری (با ۳ مؤلفه زورگویی، زد و خورد و قربانی)، شاخص‌های مختلف توصیفی اعم از میانگین، انحراف معیار، شاخص‌های مختلف به ویژه کجی و کشیدگی نشان می‌دهد که توزیع نمره‌های گروه نمونه در متغیرهای اندازه گیری شده به توزیع نرمال میل دارند.

جدول ۱: خلاصه شاخص‌های آماری مربوط به نمره‌های کل شرکت کنندگان در آزمون‌های دلبستگی، سبک‌های فرزندپروری و قلدری (N= ۱۶۰)

گروه‌ها	متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
دلبستگی	اعتماد	۳۷/۶۳	۱۱/۳۵	-۰/۴۹۳	-۰/۰۰۹
	ارتباط	۲۱/۸۲	۸/۸۰	-۰/۰۹۸	-۰/۲۸۶
	بیگانگی	۱۶/۵۶	۵/۴۳	-۰/۳۵۴	-۰/۸۷۶
سبک‌های فرزندپروری	شیوه سهل گیرانه	۱۲/۴۰	۳/۶۰	۱/۱۷۷	۱/۳۱۴
	شیوه استبدادی	۱۳/۰۱	۳/۶۳	۰/۵۸۷	-۰/۲۵۹
	شیوه قاطع	۱۳/۳۶	۲/۵۰	۰/۱۵۷	۰/۸۰۸
قلدری	زورگویی	۶/۰۴	۲/۳۸	۱/۴۲۲	۱/۵۹۴
	زد و خورد	۴۴/۶۰	۹/۵۸	۰/۸۳۰	۰/۳۰۹
	قربانی	۱۶/۸۷	۱/۷۱	-۰/۱۳۹	-۰/۷۲۰

بر اساس ضرایب به دست آمده و سطح معناداری آن‌ها می‌توان نتیجه گرفت که تنها بین دو مؤلفه ارتباط بیگانگی با قلدری همبستگی مثبت وجود دارد (جدول شماره ۲).

جدول ۲: خلاصه نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها (N= ۱۶۰)

متغیرها	قلدری	Sig
اعتماد	۰/۱۰۶	۰/۰۶۷
ارتباط	۰/۲۸۸**	۰/۰۰۱
بیگانگی	-۰/۲۲۹**	۰/۰۰۱
شیوه سهل گیرانه	-۰/۰۴۰	۰/۵۶۰
شیوه استبدادی	-۰/۰۳۳	۰/۲۹۹
شیوه قاطع	-۰/۰۵۹	۰/۸۰۸

همان طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، مقدار R^2 به دست آمده (۰/۱۱۴) بدین معنی است که ۱۱/۴ درصد از واریانس متغیر قلدری توسط ۲ مؤلفه اعتماد و ارتباط و ۴ مؤلفه بیگانگی، شیوه سهل گیرانه، شیوه استبدادی و شیوه قاطع تبیین می‌شود. به عبارت دیگر، ۱۱/۴ درصد از پراکندگی مشاهده شده در متغیر قلدری توسط این متغیرها توجیه می‌شود. مقدار R مشاهده شده (۰/۳۳۸) نیز نشان دهنده آن است که مدل رگرسیون خطی حاضر می‌تواند برای پیش بینی استفاده شود. علاوه بر این، نسبت F محاسبه شده (۶/۲۱۱) در سطح اطمینان حداقل ۹۹ درصد معنادار است.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر قلدری همبستگی معنادار وجود دارد. در نتیجه، شواهد برای پذیرش فرضیه اصلی اول کافی است. با این حال، با مراجعه به آماره t و سطوح معناداری می‌توان قضاوت کرد که تنها ۳ متغیر مؤلفه اعتماد، ارتباط و شیوه استبدادی با متغیر قلدری همبستگی معنادار دارند. علامت ضرایب بتای به دست آمده نشان داد که متغیرهای مؤلفه اعتماد و شیوه استبدادی با قلدری همبستگی مثبت و معنادار دارند. حال آن‌که، همبستگی متغیر ارتباط با قلدری منفی و معنادار است. در نهایت، با توجه به این توضیحات و ضریب به دست آمده می‌توان معادله رگرسیون را بر اساس ضرایب رگرسیون استاندارد شده به صورت زیر تدوین کرد:

$$Y(\text{قلدری}) = ۱۵/۰۳۸ + ۰/۲۴۰(\text{اعتماد}) + ۰/۱۵۰(\text{شیوه استبدادی}) - ۰/۱۵۰(\text{ارتباط})$$

جدول ۳: خلاصه تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی قلدری بر اساس دو مؤلفه شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی (N=۱۶۰)

Sig	t	متغیر وابسته: قلدری ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده	پیش‌بینی کننده‌ها
۰/۰۰۱	۱۷/۹۰۸**	-	۱۵/۰۳۸	عدد ثابت
۰/۰۰۱	۳/۸۶۰**	۰/۲۴۰	۰/۰۳۶	اعتماد
۰/۰۱۳	-۲/۵۰۷*	-۰/۱۵۰	-۰/۰۳۰	ارتباط
۰/۷۷۶	۰/۲۸۵	۰/۰۲۳	۰/۰۱۱	بیگانگی
۰/۸۰۸	۰/۲۴۳	-۰/۰۲۱	-۰/۰۱۰	شیوه سهل‌گیرانه
۰/۰۲۵	۲/۲۴۹*	۰/۱۵۰	۰/۱۰۴	شیوه استبدادی
۰/۱۲۴	-۱/۵۴۱	-۰/۱۱۸	-۰/۰۸۵	شیوه قاطع

$$R = ۰/۳۳۸ ; R^2 = ۰/۱۱۴ ; R^2 \text{ تعدیل شده} = ۰/۰۹۶ ; F = ۶/۲۱۱**$$

۴. بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین فرزندپروری، سبک‌های دلبستگی با قلدری بوده است. طبق نتایج بدست آمده از تحلیل‌ها ۱۱/۴ درصد از واریانس متغیر قلدری توسط ۲ مؤلفه اعتماد و ارتباط و ۴ مؤلفه بیگانگی، شیوه سهل‌گیرانه، شیوه استبدادی و شیوه قاطع تبیین می‌شود. به عبارت دیگر، ۱۱/۴ درصد از پراکندگی مشاهده شده در متغیر قلدری توسط این متغیرها توجیه می‌شود. بنابراین در نتیجه، شواهد برای پذیرش فرضیه اصلی اول کافی است. نتایج بدست آمده از تحقیقات داخلی که حاجیلو و همکارانش (۱۳۹۳) مبنی بر این که بین سبک‌های دلبستگی با شیوه‌های فرزند پروری و کمال‌گرایی دانشجویان رابطه معنی‌داری وجود دارد و بین سبک‌های دلبستگی و کمال‌گرایی و شیوه‌های فرزند پروری دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری مشاهده نشده است. با مطالعه مؤذنی و همکارانش (۱۳۹۳)؛ مبنی بر این که سبک دلبستگی ایمن با سبک فرزندپروری مقتدر و سبک دلبستگی دوسوگرا با سبک فرزندپروری آزادگذار، رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. با مطالعه آزاد موسوی و همکارانش (۱۳۹۳) مبنی بر این که رابطه معناداری بین شیوه فرزندپروری، سبک‌های دلبستگی و جو خانوادگی دو نسل وجود دارد. با مطالعه آبختی (۱۳۹۳) مبنی بر این که بین سبک‌های دلبستگی دانش‌آموزان قلدر، همسالان قربانی و عادی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با مطالعه عزیزاده مارالانی (۱۳۹۲) مبنی بر این که بین والدین دانش‌آموزان پسر قلدر، قربانی و عادی از نظر شیوه‌های فرزندپروری

تفاوت معنی داری وجود دارد. با مطالعه قنبری‌هاشم آبادی و همکارانش (۱۳۹۰) مبنی بر این که بین سبک فرزند پروری و دلبستگی زنان رابطه وجود دارد. و با نتایج به دست آمده از پژوهش‌های خارجی که توسط کوکینوز (۲۰۱۵) مبنی بر کودکان با سبک‌های دلبستگی نا ایمن، بیشتر دست به زورگویی و قلدری می‌زنند، بلودورث (۲۰۱۴) مبنی بر این که که دانشجویان با سبک دلبستگی ایمن دارای شیوه‌های فرزندپروری اقتداری بودند و کمتر رفتارهای مشکل ساز در کودکی داشتند و با مطالعه ویلیامز (۲۰۱۲) مبنی بر این که بین سبک دلبستگی و رفتارهای برونساز شده پسرها رابطه معناداری وجود دارد، همخوانی دارند. بنابراین، شواهد برای پذیرش این فرضیه کافی است.

منابع

- آبختی موسی (۱۳۹۳). مقایسه سبک‌های دلبستگی و کیفیت زندگی مدرسه‌ای در دانش‌آموزان با رفتار قلدری و همسالان قربانی و عادی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه تبریز - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- ابراهیم زاده پارسایی، ملیحه (۱۳۸۷). "مقایسه سبک‌های فرزند پروری والدین مذهبی و غیر مذهبی" پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی
- ابراهیمی قوام، صغری (۱۳۷۴). "بررسی شیوه‌های برقراری ارتباط سازنده والدین با فرزندان"، مجله تربیت، سال یازدهم، شماره ۳.
- آزاد موسوی میر محمد باقر، جلالی، محمد رضا. (۱۳۹۳). رابطه شیوه‌های فرزندپروری، سبک‌های دلبستگی و جو خانوادگی دو نسل والدین و فرزندان. فصلنامه خانواده پژوهی، سال دهم، شماره ۳۷
- آقا محمدیان، حمیدرضا و مهران حسینی، (۱۳۸۴). "روان‌شناسی بلوغ و نوجوانی، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی
- برک لورا. (۲۰۰۷). روانشناسی رشد، ترجمه: سید یحیی محمدی، تهران: ارسباران
- جوهری، حسن (۱۳۸۷). "رابطه شیوه‌های فرزند پروری و سبک‌های دلبستگی با هوش هیجانی دانش‌آموزان پسر پایه اول متوسطه شهر قاین"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد بیرجند
- چالمه، رضا. (۱۳۹۲). کفایت روانسنجی مقیاس قلدری ایلی نویز در دانش‌آموزان ایرانی: بررسی روایی، پایایی و ساختار عاملی. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، سال سوم، شماره یازدهم، بهار ۱۳۹۲ (صص ۵۲-۳۹)
- حاجیلو، لیلا، واحدی، مجید، حاجیلو، جلیل، رضانی، فریدون، رمزی صمد (۱۳۹۳) رابطه بین سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزند پروری با کمال‌گرایی دانشجویان دانشگاه پیام نور ارومیه، سومین کنگره بین‌المللی روانپزشکی کودک، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز.
- حجازی الهه فارسی نژاد معصومه سبک‌های هویت و بشرفتحصیلی و نقش خودکارآمدی تحصیلی مجله روان‌شناسی سال یازدهم شماره ۴ زمستان ۱۳۸۶
- ظروفی، م. (۱۳۸۰). بررسی رابطه میان ساختار خانواده و اختلالات رفتاری، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر.
- فراهانی، م. (۱۳۸۰). پرخاشگری کودکان و ارتباط آن با ساخت خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- کرباسی، دکتر منیژه روانشناسی رشد ۱، صص ۱۹۷-۱۹۶ انتشارات دانشگاه پیام نور
- علیزاده مارالانی فاطمه (۱۳۹۲) مقایسه شیوه‌های فرزندپروری و تنیدگی والدینی در والدین دانش‌آموزان پسر قلدر، قربانی و عادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه تبریز - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- قنبری هاشم آبادی، بهرام‌علی. حاتمی ورزنده، ابوالفضل. اسمعیلی، معصومه. فرحبخش کیومرث (۱۳۹۰). رابطه بین سبک‌های فرزند پروری، دلبستگی و تعهد زناشویی در زنان متأهل دانشگاه علامه طباطبائی. زن و جامعه - جامعه‌شناسی زنان. جلد ۲، شماره ۳، صص: ۳۹-۶۱.
- معتمدی، عبدالله (۱۳۸۷). "بررسی شیوه‌های والدینی و تاثیر آن بر تحصیلات فرزندان، مجله علمی - پژوهشی روان‌شناسی، شماره ۴، صص ۳۸۳-۳۷۰"

- مؤذنی طاهره، آقایی اصغر و گل پرور محسن. (۱۳۹۳). پیش بینی سبک‌های دلبستگی فرزندان بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین، فصلنامه آموزش و ارزشیابی، سال هفتم شماره ۲۵، صص: ۸۷-۹۹
- ویسی ناصر. (۱۳۸۳). بررسی رابطه شیوه‌های فرزند پروری با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه دوم و سوم مقطع ابتدایی شهر کامیاران در سال تحصیلی ۸۳-۸۲. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- **Amy, Garriso, B. Blok, E. B.; Gramer, K.; Tiller, v. (2002)** the influence of Parenting styles on children cognitive development. Louisiana state university center.
- **Angrist, J. D., Imbens, G. W. and Rubin, D. B. (1996)**. Identification of causal effects using instrumental variables. Journal of the American statistical Association. 91, 444- 555.
- **Aquilino, W. S. & Supple, A. J. (2001)**. Long-term effects parenting practices during adolescence on well-being: outcomes in young adulthood. Journal of family issues, 22(3), 289-308.
- **Argys, L. M. and Ress, D. I. (2006)**. Birth order and Risky adolescent behavior. Economic Inquiry. 44, 215-233.
- **Baldwin, A. L. (1949)** the effect of home environment on nursery school behavior child development. 20, 49-62.
- **Bandura, A. (1993)**. Perceived self- efficacy in cognitive development and functioning. Educational Psychologist, 28, 117-148
- **Bandura. A. (1997)**. self- efficacy. The exercise of control. New York: freeman.
- **Barling, J. (1996)** "fathers work experiences effect children j. stewart, w behaviors via job-related affect and parenting behaviors. Journal of organizational behavior 17" (221-232)
- **Baumrind, d. (1971)**. current patterns of parental authority. Developmental psychology monographs, 4, (1), 1-103
- **Baumrind, d. (1978)**. parental disciplinary patterns and social competence in children. youth and society, 9(3). 239-276
- **Baumrind, d. (1983)**. rejoinder to Lewin's reinterpretation of parental firm control effects: are authoritative families really harmonious? psychological bulletin, 94, 132-142.
- **Baumrind, d. (1989)**. rearing competent children. In W. Damon (ed.) child development today and tomorrow (pp. 349-378). San Francisco: Jossey Bass.
- **Berzonsky, M. and Smits, i. (2008)**. Perceived Parenting dimensions and identity styles: Exploring the socialization of adolescent processing of identity – relevant. Journal of adolescence, 31(2), 151-164
- **Bloodworth Janelle E. (2014)**. Attachment Style and Its Influence on Aggression. North American Journal of Psychology, 14(2), 321 -338.
- **Bornstein M. (2002)** Hand book on parenting: children and parenting (vol 1). Mahwah NJ: Lawrence Erlbaum publishers.
- **Brown, A. M. & Whiteside, S. P. (2008)**. Relations among perceived parental rearing behaviors, attachment style, and worry in anxious children. Journal of Anxiety Disorder, 22(2), 263-272.
- **Dekovic, m. and Janssens, j. (1992)** Parents rearing style and child, s socio-metric status. Developmental Psychology, 28, 925-932.
- **Dekovic, m. and Meeus, w. (2002)**. Peer relation in adolescence: Effects of parenting and adolescents self-concept. Journal of adolescence, 20, 163, 176.
- **Dixon, S. V, Graber, J. A. & Brooks-Gunn, I. (2008)**. the roles of respect for parental authority and parenting practices in parent-child conflict African American, Latin, and European American families. Journal of Psychology, 22(1). 1-10
- **Dobbins, B. (2006)**. Latin adolescents perceptions of parenting style, locus of control and school climate. Dissertation. www. Proquest.com.
- **Espelage, D. L., & Holt, M. (2001)**. Bullying and victimization during early adolescence: Peer influences and psychosocial correlates. Journal of Emotional Abuse, 2, 123-142.
- **Katleen cotton and Laren Reed wiklund (2001)**. Parent involvement in Education
- **Kelly kozik & Lean million (1997)** parenting style and academic outcome. Rcfcfall 1997 Newsletter vol. 6 No.

- **Kissinger,D.,Daniels,H.and Lee, s.(2006)**,parental influences on adolescent adjustment: parenting styles versus parenting practices. Counseling and therapy for couples and family, 14(3),253-259.
- **Kokkinos, Constantinos. M.(2015)**. bullying and Victimization in Early Adolescence: Associations With Attachment Style and Perceived Parenting. ResearchGate.
- **Meesters.c.&Muris,P.(2004)**,perceived parental rearing ,behaviours and coping in young adolescents. Personality and individual Differences.37(3).513-522.
- **moon,Sidney m.(1995)**"the effects of an enrichment program on the families of participants: a multiple-case study.gifted child quarterly.399198-208)
- **parker,wayne d.1997**(parents achievement goal and j.ablard, Karen eper fection ism in their academically talented children. journal of youth adolescence.26)6(651-667)
- **Perry,J.A.et al.(2008)**.Astudy of the relationship between parental bonding ,self-concept and eating disturbances in Norwegian and Ameerican college populations.Eating Behaviors,9(1).13-24. Quarterly. 80, 481–524.
- **Robinson,nancy m:Weinberg.richard a:redde,david,ramey sharonl.et al(1998)**"family factors association with high academic competence among former head start children. Giften child quarterly 42 (118-156)
- **Rudy.D.&Grusec,J.E.(2006)**.Authoritarian parenting in individualist and collectivist Groups: Associations with Maternal Emotion and Cgnition and children Self-Esteem.journal of family Psychology.20(1),68-78.
- **Sancilio, Michael. F. & Plumert, Jodie. M (1987)**. Friendship and Aggressiveness As Determinant of Conflict outcomes in middle childhood. Journal of Personality and Social Psychology. 53, 1146-1158.
- **Wilder, EI. & Watt, TT. (2002)**. Risky parental behavior and adolescent sexual. Activity at first coitus. Milbank
- **Williams, K., Kennedy, J. (2012)**. Bullying behaviors and attachment styles. North American Journal of Psychology, 14(2): 321-338.